

## مقاله پژوهشی اصیل

# ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی

## پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا

### امید شکری<sup>۱</sup>

گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

### صادق تقی‌لو

دانشگاه آزاد اسلامی آستارا

### فریبرز گراوند

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

### مریم پاییزی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

### محمد مولایی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

### محمد آزاد عبدالله‌پور

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

### هادی اکبری

دانشگاه تربیت معلم تهران

**هدف:** در پژوهش حاضر به مثابه یک پژوهش همبستگی، با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و تأیید استواری ساختار عاملی، پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی اجرا شد. **روش:** نسخه فارسی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و پرسشنامه پنج عامل بزرگ در ۴۱۹ دانشجوی (۱۶۶ پسر و ۲۵۳ دختر) اجرا شد. **ابزار:** به منظور بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا به ترتیب از تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. **یافته‌ها:** همسو با یافته‌های قبلی، ضرایب آلفای کرونباخ و ضرایب همبستگی حاصل از آزمون-بازآزمون زیرمقیاس‌ها نشان دادند که این پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده این است که الگوی سه‌عاملی این پرسشنامه برازندگی قابل‌قبولی با داده‌ها دارد، اما برازندگی الگوی چهارعاملی با داده‌ها بهتر است. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و صفات شخصیتی نشان داد که این پرسشنامه از روایی همگرا برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر، با تأکید بر ساختار عاملی ثابت و کارآیی بالقوه پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا به منزله یک ابزار معتبر برای اندازه‌گیری مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا نشان می‌دهد که این پرسشنامه از توان زیادی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: مقابله، پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، تحلیل عاملی تأییدی، ساختار عاملی، ویژگی‌های روان‌سنجی

## مقدمه

شیوه ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا از طریق گستره وسیعی از الگوهای نظری و ابزارهای اندازه‌گیری مشخص می‌شود (پارکر<sup>۲</sup> و اندلر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶؛ شوارتز<sup>۴</sup> و شوارتز<sup>۵</sup>؛ اسکینر<sup>۶</sup>، آلمن<sup>۷</sup> و شروود<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳)، اگرچه این الگوها و مقیاس‌های متفاوت از وجوه مشترکی برخوردارند. به

طور کلی، نظریه دو یا سه راهبرد مقابله‌ای اصلی رفتارهای مسأله-مدار<sup>۹</sup>، هیجان‌مدار<sup>۱۰</sup> و اجتنابی<sup>۱۱</sup> را از یکدیگر متمایز می‌کند. شایان ذکر است که محتوای پرسشنامه‌های طراحی شده برای اندازه‌گیری سازه‌های فوق، با یکدیگر همپوشانی بالایی دارند (رافنسون<sup>۱۲</sup>، اسماری<sup>۱۳</sup>، ویندل<sup>۱۴</sup>، میرس<sup>۱۵</sup> و اندلر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۶). متأسفانه دیگر ویژگی

- |                             |                               |
|-----------------------------|-------------------------------|
| 2- Parker                   | 3- Endler                     |
| 4- Schwarzer                | 5- Skinner                    |
| 6- Edge                     | 7- Altman                     |
| 8- Sherwood                 | 9- problem-oriented coping    |
| 10- emotion-oriented coping | 11- avoidance-oriented coping |
| 12- Rafnsson                | 13- Smari                     |
| 14- Windle                  | 15- Mears                     |

۱- نشانی تماس: تهران، مفتاح جنوبی، خیابان خاقتانی، شماره ۴۹، طبقه هشتم، گروه روان‌شناسی.  
Email: oshokri@yahoo.com

معتبر برای اندازه‌گیری مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا محسوب می‌شود. علاوه بر این، سودمندی CISS به مثابه ابزار اندازه‌گیری راهبردهای مقابله‌ای در گستره‌ای از نمونه‌ها و بافت‌های مختلف نشان داده شده است (آورو<sup>۴</sup>، کوراس<sup>۵</sup>، اندلر و کالوو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ بیسلی<sup>۷</sup>، تامپسون<sup>۸</sup> و دیویدسون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳؛ دنیسوف<sup>۱۰</sup> و اندلر، ۲۰۰۰؛ فورنیر<sup>۱۱</sup>، دریدر<sup>۱۲</sup>، بنسینگ<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲؛ سالتن<sup>۱۴</sup> و هیورتیر-هارتمن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۱؛ کوهن<sup>۱۶</sup>، جانگ<sup>۱۷</sup> و استین<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۶؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۴).

به رغم اینکه ساختار عاملی CISS در مقایسه با اغلب پرسشنامه‌های مقابله، در جمعیت‌های متفاوت استواری بیشتری نشان داده است (کاسوی<sup>۱۹</sup>، اندلر، سدلر<sup>۲۰</sup> و دی‌یری<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۰؛ اندلر و پارکر، ۱۹۹۴؛ مک‌ویلیامز<sup>۲۲</sup>، کاکس<sup>۲۳</sup> و انس<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۳) معمولاً از طریق تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۲۵</sup> (و نه تحلیل عاملی تأییدی<sup>۲۶</sup>) بررسی شده است. برای مثال، اندلر و پارکر (۱۹۹۴) در مطالعه خود با هدف بررسی ساختار عاملی CISS از تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۲۷</sup> استفاده کردند. همسویی نتایج این مطالعه با یافته‌های تحقیق اندلر و پارکر (۱۹۹۰) نشان‌دهنده تشابه یا تغییرناپذیری<sup>۲۸</sup> ساختار عاملی CISS است. مک‌ویلیامز و همکاران (۲۰۰۳) به منظور بررسی ساختار عاملی CISS از طریق پاسخ‌های ۲۹۸ بیمار افسرده از مدل‌های تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ساختار چهارعاملی CISS (از طریق تجزیه سبک مقابله اجتنابی به زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی<sup>۲۹</sup> و

مشترک ابزارهای اندازه‌گیری به محدودیت ویژگی‌های روان‌سنجی آنها مربوط است. برای مثال، اسکینر و همکاران (۲۰۰۳) بر ساختار عاملی ناستوار و پایایی کم این ابزارهای اندازه‌گیری تأکید کرده‌اند. در این بین، شوارتزر و شوارتزر (۱۹۹۶) خاطر نشان می‌کنند که پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا<sup>۱</sup> (CISS) در مقایسه با دیگر دیگر ابزارهای پیش از خود به دلیل فقدان محدودیت‌های روان‌سنجی یک استثنا قلمداد می‌شود (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰).

پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، ابعاد سه‌گانه مقابله مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی را اندازه‌گیری می‌کند، که در بین غالب مفاهیم راهبردهای مقابله‌ای مشترک است. با وجود این مفهوم-سازی و اندازه‌گیری سبک‌های مقابله‌ای تا حدی متفاوت است (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۳). راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کنند که بر اساس آن فرد اعمالی را که باید برای کاهش یا از بین بردن یک عامل استرس‌زا انجام دهد، محاسبه می‌کند. رفتارهای مسأله‌مدار شامل جست‌وجوی اطلاعات بیشتر درباره مسأله، تغییر ساختار مسأله از نظر شناختی و اولویت دادن به گام‌هایی برای کانون توجه قرار دادن مسأله می‌شود. برعکس، راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کنند که بر اساس آن، فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاشش را متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خود می‌کند. واکنش‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار شامل گریه-کردن، عصبانی و ناراحت شدن، پرداختن به رفتارهای عیب‌جویانه، اشتغال ذهنی و خیال‌پردازی است. بالاخره، راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی مستلزم فعالیت‌ها و تغییرات شناختی است که هدف آنها اجتناب از موقعیت استرس‌زا می‌باشد. رفتارهای مقابله‌ای اجتنابی ممکن است به شکل روی آوردن به یک فعالیت جدید و درگیر شدن با آن یا روی آوردن به اجتماع و دیگر افراد ظاهر شود (هالامان-دریس<sup>۲</sup> و پاور<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ اندلر و پارکر، ۱۹۹۴).

اندلر و پارکر (۱۹۹۴) با تأکید بر توانایی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا در ارزیابی تفاوت‌های فردی در سبک مقابله و راهبردهای مقابله‌ای خاص موقعیت، بر توان بالای CISS به مثابه مقیاسی برای ارزیابی وضع مقابله‌ای اشاره می‌کنند. نتایج مطالعات مختلف در مورد ساختار عاملی نسبتاً استوار و حمایت لازم از ویژگی‌های روان‌سنجی نشان داده است که CISS ابزاری

- |   |                                  |
|---|----------------------------------|
| 1- Coping Inventory for Stressful Situation | 3- Power                         |
| 2- Halamandaris                             | 5- Corace                        |
| 4- Avero                                    | 7- Beasley                       |
| 6- Calvo                                    | 9- Davidson                      |
| 8- Thompson                                 | 11- Fournier                     |
| 10- Denisoff                                | 13- Bensing                      |
| 12- de Ridder                               | 15- Heurtier-Hartemann           |
| 14- Sultan                                  | 17- Jang                         |
| 16- Cohen                                   | 19- Cosway                       |
| 18- Stein                                   | 21- Deary                        |
| 20- Sadler                                  | 23- Cox                          |
| 22- McWilliams                              | 25- exploratory factor analysis  |
| 24- Enns                                    | 27- principal component analysis |
| 26- confirmatory factor analysis            | 29- distraction                  |
| 28- invariance                              |                                  |

امید شکری و همکاران

طراحی می‌شود، در حالی که تحلیل‌های بعدی با مجموعه دیگری داده‌ها نمی‌تواند همان ساختار عاملی را بازتولید کند. در همین راستا، اسکینر و همکاران (۲۰۰۳) بر اجماع نظر محققان درباره استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به منظور بهبود ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌ها در قلمرو مطالعاتی شیوه مواجهه افراد با موقعیت‌های استرس‌زا تأکید می‌کنند.

در سال‌های اخیر، در ایران محققان علاقه فزاینده‌ای به بررسی شیوه‌های ترجیحی افراد (به‌ویژه دانشجویان) در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا زندگی نشان داده‌اند (شکری و همکاران، ۱۳۸۴؛ شکری، کدیور و دانش‌پور، ۱۳۸۶؛ شکری، مرادی، دانش‌پور و طرخان، زیر چاپ). بر این اساس، محققان پژوهش حاضر با آگاهی از ضرورت بررسی دقیق ساختار ابعادی نسخه فارسی CISS، مطالعه ساختار عاملی، ویژگی‌های روان‌سنجی و روابط زیرمقیاس‌های CISS با صفات شخصیتی مرتبه بالاتر را هدف قرار داده‌اند. رسیدن به نتایج قطعی‌تر درباره ساختار عاملی CISS در ایران، به استفاده بین‌المللی از CISS در بررسی ارتباط متقابل بین استرس، مقابله و انطباق کمک شایان توجهی می‌کند.

## روش

### آزمودنی‌ها

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد شمال و تهران مرکز که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دادند. از بین دانشجویان ۴۱۹ نفر (۱۶۶ پسر و ۲۵۳ دختر) با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، دانشجویان دوره کارشناسی در سه مرحله با استفاده از واحدهای نمونه‌برداری مختلف انتخاب شدند: واحد مرحله اول واحد شمال و مرکز، واحد

مشغولیت اجتماعی<sup>۱</sup> در مقایسه با ساختار سه‌عاملی برازندگی بهتری دارد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی CISS در مطالعه کوک<sup>۲</sup> و هپنر<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) نیز نشان داد که ساختار چهارعاملی CISS، در مقایسه با ساختار سه‌عاملی، برازندگی بهتری دارد. نتایج مطالعه کاسوی و همکاران (۲۰۰۰) با هدف بررسی ساختار عاملی CISS با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی در نمونه‌ای از پزشکان و کشاورزان اسکاتلندی (زن و مرد) از ساختار سه‌عاملی پیشنهادشده اندلر و پارکر در زیرنمونه‌های زن و مرد، و هر دو گروه شغلی حمایت می‌کند. علاوه بر این، در این مطالعه نتایج ماتریس همبستگی بین زیرمقیاس‌های CISS با صفات شخصیتی و مؤلفه‌های اختلال روان‌شناختی شاهدهی بر روایی ضابطه<sup>۴</sup> CISS در الگوی تبادل استرس<sup>۵</sup> بود. رافسون و همکاران (۲۰۰۶) با هدف بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی CISS در نمونه‌ای از نوجوانان دختر و پسر ایسلندی به ترتیب از مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی گروهی چندگانه، ضرایب آلفای کرونباخ<sup>۶</sup> و روایی سازه<sup>۷</sup> استفاده کردند. نتایج مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی با هدف بررسی ساختار عاملی CISS به طور کلی و در سطوح متغیر جنسیت نشان داد که در کل نمونه، در دو جنس به‌طور متمایز و با استفاده از ساختار سه و چهار عاملی، الگوها با داده‌ها برازندگی دارد. به عبارت دیگر، در دو جنس روابط سؤال/عامل هم‌ارز به‌دست آمد. علاوه بر این، همبستگی‌های گزارش شده بین زیرمقیاس‌های CISS و صفات شخصیتی روان‌نژندی گرابی<sup>۸</sup> و برون‌گرایی<sup>۹</sup>، با حمایت تجربی لازم از بسط روایی سازه زیرمقیاس‌ها همراه بود.

رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی به دلیل اصرار بر تعیین ساختار نمرات مقیاس با تأکید بر آمار به جای نظریه و به دلیل ناتوانی در اندازه‌گیری خطا با انتقاد جدی مواجه شده است (هنسون<sup>۱۰</sup>، کاپارو<sup>۱۱</sup> و کاپارو، ۲۰۰۴؛ تامپسون و دانیل<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۶). دیککی<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۶) بر این باور است که تحلیل عاملی اکتشافی نمی‌تواند به تنهایی مبنایی برای تعیین ساختار عاملی زیربنایی یک ابزار باشد. او در تبیین این نکته اشاره می‌کند که این روش تحلیل، به منظور به حداکثر رساندن مقدار واریانس در درون مجموعه متغیرهای کنونی

1- social diversion	2- Cook
3- Hoppner	4- criterion validity
5- transactional model of stress	6- Cronbach's alpha
7- construct validity	8- neuroticism
9- extraversion	10- Henson
11- Capraro	12- Daniel
13- Dickey	

مرحله دوم، دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، و فنی و مهندسی، و واحد مرحله سوم کلاس‌های مختلف. میانگین کلی سن دانشجویان ۲۳/۱۰ (انحراف معیار = ۲/۳۶، دامنه = ۱۸-۳۰)، میانگین سنی دانشجویان پسر ۲۳/۹۰ (انحراف معیار = ۲/۳۴، دامنه = ۱۹-۳۰) و میانگین سنی دانشجویان دختر ۲۲/۳۰ (انحراف معیار = ۲/۱۳، دامنه = ۱۸-۲۸) بود.

## ابزار

**الف) پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا:** اندلر و پارکر (۱۹۹۰) این پرسشنامه را با هدف ارزیابی انواع سبک‌های مقابله‌ای افراد در موقعیت‌های استرس‌زا به سه صورت سبک‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی طراحی کردند. این آزمون شامل ۴۸ سؤال است که هر ۱۶ سؤال به یکی از ابعاد مقابله مربوط است و پاسخ به هر سؤال بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می‌شود. سبک مقابله اجتنابی قابل تفکیک به زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی است که هر یک به ترتیب از طریق هشت سؤال و پنج سؤال ارزیابی می‌شوند. گفتنی است که سبک غالب هر فرد با توجه به نمره وی در هر یک از ابعاد سه‌گانه سبک‌های مقابله تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، هر کدام از رفتارها که در مقیاس نمره بیشتری کسب کنند، آن رفتار به عنوان سبک مقابله‌ای ترجیحی فرد در نظر گرفته می‌شود. نتایج یافته‌های اندلر و پارکر (۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹) و تحقیقات متعدد داخل کشور که پیشتر به برخی از آنها اشاره شد، نشان می‌دهند که CISS برای اندازه‌گیری مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا از توان بالایی برخوردار است. علاوه بر این، بررسی نتایج انجام شده در ایران از جمله تحقیقات اکبرزاده (۱۳۷۶)، بهرامی (۱۳۷۶)، حسینی طباطبایی (۱۳۷۷)، و قری (۱۳۷۹) نشان می‌دهند که همسانی درونی آزمون و همبستگی آن در رابطه با متغیرهای متفاوت نسبتاً زیاد است که نشان‌دهنده روایی بالای این آزمون می‌باشد.

## ب) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت: پرسشنامه پنج عامل

بزرگ<sup>۱</sup> ویژگی‌های اصلی پنج عامل را به وسیله عبارات کوتاه اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، احساس نیاز به اندازه‌گیری

مؤلفه‌های اصلی پنج عامل شخصیت از طریق عبارات کوتاه، جان<sup>۲</sup>، جان<sup>۳</sup>، دوناهو<sup>۳</sup> و کنتل<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) را به ساخت BFI ترغیب کرد. این پرسشنامه امکان اندازه‌گیری مؤثر و منعطف ابعاد پنج‌گانه شخصیت را، وقتی که اندازه‌گیری متمایز وجوه فردی منظور نظر نیست، فراهم می‌کند (جان و سریواستاوا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). پرسشنامه پنج عامل (جان و همکاران، ۱۹۹۱، جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹) شامل ۴۴ سؤال کوتاه است که بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) درجه‌بندی می‌شود. سؤال‌ها با اجماع نظر متخصصان و به کمک تحلیل‌های تجربی سؤال برای دستیابی به صفات اصلی که به پنج عامل بزرگ شخصیت اشاره می‌کنند، انتخاب شدند (رامستد<sup>۶</sup> و جان، ۲۰۰۷). گراوند، شکری، افضلی و طولابی (تحت داوری) در پژوهشی در ۴۱۹ دانشجو (۱۶۶ پسر و ۲۵۳ دختر) با هدف بررسی ساختار عاملی BFI، به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی، الگوی پنج عامل رانشان دادند. در این پژوهش، نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز، ضمن تأیید ساختار عاملی به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی اکتشافی، نشان داد که الگوی پنج عاملی BFI با داده‌ها برازندگی قابل قبولی دارد. ضرایب آلفای کرونباخ برای عوامل وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی‌گرایی، پذیرش، برون‌گرایی و سازگاری به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۷۶، ۰/۷۲، ۰/۶۰ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و ضریب آن برای عوامل روان‌نژندی‌گرایی و برون‌گرایی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۲ به‌دست آمد.

تحقیق حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی است. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برای آماده‌سازی CISS در نمونه ایرانی، این پرسشنامه ابتدا به فارسی ترجمه و به دنبال آن از دو متخصص زبان انگلیسی خواسته شد که آن را به انگلیسی برگردانند. تفاوت بین نسخه‌های انگلیسی و فارسی ارزیابی شد و از طریق «فرآیند مرور مکرر»<sup>۷</sup> به حداقل ممکن کاهش یافت. بدین وسیله، ترادف معنایی دو نسخه فارسی و انگلیسی به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت. به دنبال آن چند نفر از اعضای هیأت علمی

1- Big Five Inventory (FBI)  
3- Donahue  
5- Srivastava  
7- iterative review process

2- John  
4- Kentle  
6- Rammstedt

## یافته‌ها

**ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا**  
جدول ۱ شاخص‌های توصیفی میانگین، و انحراف معیار و ضرایب آلفای کرونباخ را برای CISS نشان می‌دهد. ترتیب ضرایب آلفای کرونباخ برای CISS از ۰/۷۰ تا ۰/۸۶ به دست آمد که نشان‌دهنده سطوح بالای همسانی درونی برای زیرمقیاس‌های CISS است.

### پایایی از طریق بازآزمایی

یک زیرنمونه<sup>۱۷</sup> از دانشجویان شامل ۱۲۰ نفر به CISS در دو مقطع با فاصله زمانی ۱۲ هفته پاسخ دادند. ضرایب همبستگی حاصل از آزمون-بازآزمون برای ابعاد مسئله‌مداری، هیجان‌مداری و اجتنابی، و همچنین زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۶۰، ۰/۶۱، ۰/۵۸ و ۰/۵۵ به دست آمد.

### تحلیل عاملی تأییدی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در مطالعه حاضر به منظور بررسی استواری ساختار عاملی CISS از تحلیل عاملی تأییدی با روش حداکثر احتمال بر اساس ماتریس واریانس-کوواریانس استفاده شد. الگوهای مفروض بر اساس ساختارهای عاملی اصلی و جایگزین ارزیابی شدند. به دلیل همبستگی بین مقیاس‌های CISS، کوواریانس‌های بین عوامل مکنون آزاد گذاشته شدند. در ادامه، برای مقایسه الگوهای جایگزین، آزمون تفاوت مجذور کای اجرا شد. در الگوی سه‌عاملی، از مجموع ۴۸ سؤال، هر ۱۶ سؤال روی یک عامل مرجع بار گرفت. بنابراین، متغیرهای برآوردشده شامل ۴۸ پارامتر متناظر با بارهای عاملی، ۴۸ پارامتر متناظر با واریانس

دانشگاه روایی محتوا و تطابق فرهنگی این پرسشنامه را تأیید کردند. در ادامه و پس از آماده شدن ابزار، نمونه مورد نظر با انجام نمونه‌گیری انتخاب شدند. CISS و BFI به طور گروهمی و در کلاس‌های درس به وسیله دستیاران محقق به دانشجویان عرضه شد. آنان ضمن اشاره به اهداف مطالعه بر مشارکت کاملاً داوطلبانه دانشجویان در این پژوهش تأکید می‌کردند. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و پیش از پاسخ‌دهی به سؤال‌ها دستیاران نکات لازم (دستورالعمل‌ها) را با صدای بلند برای دانشجویان قرائت کرده و از آنها خواستند که به تمام سؤال‌ها پاسخ دهند. در نهایت، پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آنها به رایانه، با توجه به اهداف مطالعه، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل<sup>۱</sup> و SPSS تحلیل شد. در تحلیل عاملی تأییدی از روش حداکثر احتمال برای برآورد الگو، و از برخی شاخص‌های دیگر برای برازندگی الگو استفاده شد. هو<sup>۲</sup> و بنتلر<sup>۳</sup> (۱۹۹۵، ۱۹۹۹) اشاره می‌کنند که شاخص‌های چندگانه ارزیابی جامعی از برازندگی الگو ارائه می‌دهند.

در این پژوهش شاخص مجذور کای<sup>۴</sup> ( $\chi^2$ )، شاخص مجذور کای بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۵</sup> (CFI)، شاخص برازندگی انطباق<sup>۶</sup> (GFI)، شاخص برازندگی انطباق اصلاح‌شده<sup>۷</sup> (AGFI)، باقی‌مانده ریشه مجذور میانگین<sup>۸</sup> (RMSR) و خطای تقریب ریشه مجذور میانگین<sup>۹</sup> (RMSEA) گزارش شده است. اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند؛ اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌شود (کوینتانان<sup>۱۰</sup> و ماکسول<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۹). گیلز<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۲) ذکر می‌کند که اگر نسبت  $\chi^2/df$  بزرگ‌تر از ۳ باشد، برازندگی قابل‌قبولی را نشان نمی‌دهد. مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI، GFI، AGFI (بیرن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۴) و مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۶ برای شاخص‌های RMSEA و RMSR (هو و بنتلر، ۱۹۹۹؛ مک-کلام<sup>۱۴</sup>، براون<sup>۱۵</sup> و سوگاواریا<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۶) بر برازندگی مناسب و مطلوب دلالت دارند.

1- Linear Structural Relations (LISREL)  
2- Hu 3- Bentler  
4- Chi Square 5- Comparative Fit Index (CFI)  
6- Goodness of Fit Index (GFI)  
7- Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)  
8- Root Mean Square Residual (RMSR)  
9- Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)  
10- Quintana 11- Maxwell  
12- Giles 13- Byrne  
14- McCallum 15- Brown  
16- Sugawara 17- sub-sample

**جدول ۱-** شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا

مقیاس	میانگین	انحراف معیار	آلفا
مسأله‌مداری	۵۷/۶۴	۹/۲۰	۰/۸۶
هیجان‌مداری	۴۹/۴۳	۱۰/۶۰	۰/۸۴
اجتنابی	۴۷/۹۰	۱۰/۲۹	۰/۸۰
حواس‌پرتی	۲۸/۳۰	۶/۹۰	۰/۷۱
مشغولیت اجتماعی	۱۹/۶۱	۴/۷۴	۰/۷۰

**جدول ۲-** شاخص‌های برازندگی انطباق الگوهای سه و چهار عاملی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا

الگو	$\chi^2$	df	$\chi^2/df$	CFI	GFI	AGFI	RMSR	RMSEA
الگوی سه‌عاملی	۲۷۴۹/۹۲	۱۰۷۷	۲/۵۵	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۰۷۲	۰/۰۶
الگوی چهارعاملی	۲۵۸۴/۳۵	۱۰۷۴	۲/۴۰	۰/۹۷	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۰۵۳	۰/۰۴۰

**جدول ۴-** همبستگی‌های بین عاملی نسخه فارسی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا

مسأله‌مداری	هیجان‌مداری	اجتنابی	حواس‌پرتی	مشغولیت اجتماعی
مسأله‌مداری	۰/۳۰*	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۲۰**
هیجان‌مداری	-	۰/۱۷*	۰/۱۲*	۰/۱۸*
اجتنابی	-	-	۰/۸۰**	۰/۷۰**
حواس‌پرتی	-	-	-	۰/۴۵**

\* $p < 0.05$  ، \*\* $p < 0.01$

**جدول ۵-** ماتریس همبستگی مقیاس‌های پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و صفات شخصیتی روان‌نژندی‌گرایی و برون‌گرایی

روان‌نژندی‌گرایی	هیجان‌مداری	اجتنابی	حواس‌پرتی	مشغولیت اجتماعی
روان‌نژندی‌گرایی	۰/۲۴**	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۰
برون‌گرایی	۰/۰۷	۰/۲۰**	-۰/۰۴	۰/۲۹**

جدول ۳- تحلیل عاملی تأییدی الگوی چهارعاملی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا

سؤال		بارهای عاملی		
سؤال	مسأله مداری	هیجان مداری	حواس‌پرتی	مشغولیت اجتماعی
۱- وقتم را به نحو بهتری تنظیم می‌کنم.	۰/۵۲			
۲- روی مسأله متمرکز شده و می‌بینم چگونه آن را می‌توانم حل نمایم و با دقت در مورد مسأله فکر می‌کنم.	۰/۵۶			
۳- سعی می‌کنم با اشخاص دیگری باشم.			۰/۴۷	
۴- خودم را به خاطر وقت‌گذرانی و تأخیر در کار سرزنش می‌کنم.		۰/۴۳		
۵- کاری را که فکر می‌کنم بهترین است انجام می‌دهم.	۰/۴۰			
۶- در بدنم احساس درد می‌کنم.		۰/۴۱		
۷- خودم را به خاطر قرار گرفتن در چنین موقعیتی سرزنش می‌کنم.		۰/۵۹		
۸- به تماشای ویتترین مغازه‌ها مشغول می‌شوم.			۰/۴۸	
۹- چیزهایی را که برایم مهم‌تر است مشخص کرده و اول به آنها می‌پردازم.	۰/۵۷			
۱۰- سعی می‌کنم به خواب بروم.			۰/۳۸	
۱۱- با یک غذای دلخواه یا خوراکی به خودم پاداش می‌دهم.			۰/۴۴	
۱۲- مضطرب می‌شوم که مبادا نتوانم با مسأله کنار بیایم یا مقابله نمایم.		۰/۷۱		
۱۳- دچار استرس زیادی می‌گردم.		۰/۷۳		
۱۴- در مورد روشی که به کمک آن مسائل مشابه را حل نموده‌ام، فکر می‌کنم.	۰/۳۸			
۱۵- به خودم می‌گویم این مسأله واقعاً در مورد من اتفاق نمی‌افتد.	۰/۳۶			
۱۶- از این که در مورد این واقعیت بیش از حد هیجانی بوده‌ام، خودم را سرزنش می‌کنم.	۰/۵۷			
۱۷- برای صرف غذا یا یک خوراکی، بیرون می‌روم.			۰/۷۲	
۱۸- خیلی ناامید می‌شوم.		۰/۷۰		
۱۹- برای خودم چیزی خرید می‌کنم.			۰/۷۰	
۲۰- کاری را برای خود معین نموده و آن را دنبال می‌کنم.	۰/۴۸			
۲۱- خودم را به خاطر ندانم کاری سرزنش می‌کنم.	۰/۶۷			
۲۲- سعی می‌کنم موقعیت را درک کنم.	۰/۴۶			
۲۳- خشکم می‌زند و نمی‌دانم چه کار کنم.	۰/۵۴			
۲۴- بلافاصله برای انجام یک عمل اصلاح‌گرایانه اقدام می‌کنم.	۰/۵۱			
۲۵- راجع به آنچه اتفاق افتاده فکر کرده از اشتباهاتم پند می‌گیرم.	۰/۵۶			
۲۶- آرزو می‌کنم می‌توانستم آنچه را که اتفاق افتاده یا احساس خود را عوض نمایم.	۰/۴۸			
۲۷- به ملاقات یک دوست می‌روم.			۰/۷۰	
۲۸- در مورد آنچه قرار است انجام دهم احساس نگرانی می‌کنم.	۰/۶۲			
۲۹- وقتم را با شخص به‌خصوصی می‌گذرانم.			۰/۵۸	
۳۰- به خودم می‌گویم دیگر آن اتفاق نخواهد افتاد.	۰/۳۵			
۳۱- بر روی ناتوانی‌های عمومی خود متمرکز شده و فکر می‌کنم.	۰/۴۰			
۳۲- با کسی که نظرم برایش ارزش دارد، صحبت می‌کنم.			۰/۳۹	
۳۳- قبل از واکنش نشان دادن مسأله را تجزیه و تحلیل می‌کنم.	۰/۵۴			
۳۴- به یک دوست تلفن می‌زنم.			۰/۵۷	
۳۵- عصبانی می‌شوم.	۰/۵۵			
۳۶- خواسته‌هایم را با شرایط موجود هماهنگ می‌کنم.	۰/۴۴			
۳۷- به سینما می‌روم.			۰/۵۷	
۳۸- به موقعیت مسلط می‌شوم.	۰/۶۴			
۳۹- برای انجام کارها کوشش بیشتری می‌کنم.	۰/۶۴			
۴۰- برای حل مسأله به راه‌حل‌های مختلف فکر می‌کنم.	۰/۵۲			
۴۱- برای خود فرصتی را در نظر گرفته و برای مدتی از موقعیت دور می‌شوم.		۰/۳۸		
۴۲- نسبت به اشخاص دیگر واکنش نشان می‌دهم.	۰/۳۶			
۴۳- از موقعیت استفاده می‌کنم تا ثابت نمایم می‌توانم از عهده آن برآیم.	۰/۵۸			
۴۴- برای تسلط بر موقعیت سعی می‌کنم به کارهایم سازمان دهم.	۰/۶۴			
۴۵- تلویزیون نگاه می‌کنم.			۰/۴۰	

و زیرمقیاس‌های حواس-پرتی و مشغولیت ذهنی همبستگی مثبت و معنادار نشان داد. نتایج، بین زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی و مشغولیت ذهنی همبستگی مثبت و معناداری نشان داد.

### روایی همگرا<sup>۵</sup>

در این پژوهش، همسو با مطالعه رافنسون و همکاران (۲۰۰۶)، به منظور بررسی روایی همگرایی CISS، همبستگی بین مقیاس‌های CISS و صفات شخصیتی روان‌نژندی گرایبی و برون-گرایی محاسبه شد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین روان-نژندی گرایبی و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار همبستگی مثبت و معنا-دار، و بین برون‌گرایی و مشغولیت اجتماعی همبستگی مثبت و معنا-دار وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به اجماع نظر درباره استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی در بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های اندازه‌گیری شیوه ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا و از جمله CISS انجام شد. همان-طور که پیش‌تر اشاره شد، در این پژوهش به دو دلیل از CISS استفاده شد. اول آن که این ابزار به‌طور گسترده‌ای در نمونه‌های مختلف استفاده شده است و دوم آن که نتایج این مطالعات بر توان بالای آن به عنوان یک ابزار معتبر تأکید کرده‌اند. بی‌تردید، نتایج این مطالعه اطلاعات ارزشمندی درباره ابعاد زیربنایی CISS فراهم می‌آورد.

با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، برازندگی انطباق الگوهای سه و چهارعاملی بررسی شد. الگوی سه‌عاملی شامل ابعاد مسأله-مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی است؛ درحالی که الگوی چهارعاملی با تجزیه بعد مقابله اجتنابی به زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی به‌دست آمده است (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹).

خطا یا باقی‌مانده، و ۳ پارامتر متناظر با ضرایب همبستگی بین عاملی هستند. الگوی چهارعاملی مشتمل بر دو زیرعامل حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی به‌جای عامل فراگیرتر<sup>۱</sup> اجتنابی است. به عبارت عبات دیگر، برای CISS دو الگو به‌وسیله تحلیل عامل تأییدی تحلیل شد: اول، الگوی سه‌عاملی منطبق با ساختار عاملی اصلی CISS که به‌وسیله اندلر و پارکر (۱۹۹۰، ۱۹۹۴) ارائه شده و دوم، الگوی چهارعاملی که به‌وسیله تجزیه عامل اجتنابی به دو خرده-عامل متمایز حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی به‌دست آمده است (اندلر و پارکر، ۱۹۹۴).

شاخص‌های برازندگی الگوهای سه و چهارعاملی در جدول ۲ خلاصه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود الگوی چهارعاملی CISS در مقایسه با الگوی سه‌عاملی برازندگی بهتری با داده‌ها نشان داد. نتایج آزمون تفاوت مجذور کای نشان داد که بین دو الگو تفاوت معناداری وجود دارد ( $p < 0/001$ ) و  $\chi^2(4, N=419) = 165/57$ . به عبارت دیگر، الگوی چهارعاملی، در مقایسه با الگوی سه‌عاملی، برازندگی بهتری با داده‌ها دارد. در نتیجه، اگر چه الگوی سه‌عاملی در مقایسه با الگوی چهارعاملی از ایجاز بیشتری برخوردار است، الگوی چهارعاملی در مقایسه با الگوی سه‌عاملی آشکارا برازندگی بهتری با داده‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳ بارهای عاملی برآورده‌شده الگوی چهارعاملی را نشان می‌دهد. در تحلیل عاملی تأییدی، مقادیر عددی بین عامل (ها) و نشانگر(ها)، یعنی بارهای عاملی، با توجه به وزن‌های بتا نشان‌داده می‌شوند (شوماکر<sup>۲</sup> و لوماکس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). تمام بارهای عاملی الگوهای سه و چهارعاملی معنادار به‌دست آمدند. ( $p < 0/05$ ).

### چندبعدی بودن<sup>۴</sup> پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا (روابط متقابل عامل‌ها)

جدول ۴ روابط بین ابعاد CISS را نشان می‌دهد. سبک مقابله مسأله‌مدار با سبک مقابله هیجان‌مدار همبستگی منفی و معنادار، با سبک مقابله اجتنابی و زیرمقیاس حواس‌پرتی همبستگی مثبت غیر-معنادار، و با زیرمقیاس مشغولیت اجتماعی همبستگی مثبت و معنادار نشان داد. سبک مقابله هیجان‌مدار نیز با سبک مقابله اجتنابی

1- superordinate  
3- Lomax  
5- convergent validity

2- Schumacker  
4- multidimensionality

عبارت دیگر، این یافته تأکید می‌کند که هیچ‌یک از ساختارهای عاملی CISS شامل عوامل متعامد<sup>۱</sup> نیستند و مقیاس‌های این ابزار با یکدیگر رابطه نشان می‌دهند. از آنجا که عوامل CISS با استفاده از چرخش‌های عاملی متعامد از قبیل چرخش واریمکس<sup>۲</sup> استخراج شده‌اند، توجه به این مهم درباره CISS از اهمیت زیادی برخوردار است.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که افراد بین راهبردهای مقابله‌ای مختلف تمایزات پدیدارشناختی دقیقی را تجربه نمی‌کنند، و به نظر می‌رسد که استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متفاوت با یکدیگر ارتباط داشته باشند. در این راستا، برخی از محققان خاطر نشان می‌کنند که چون راهبردهای مقابله‌ای متفاوت به هم وابسته‌اند، بهتر است محققان به جای نمرات خام از نمرات نسبی استفاده کنند (بکر، ۱۹۸۷؛ فرسیت و کامپس، ۱۹۸۷؛ نقل از کوک و هپنر، ۱۹۹۷). به طور خلاصه، اگر چه گاهی الگوهای متعامد با استقبال بیشتر محققان روبه‌رو می‌شوند، نتایج این پژوهش، همسو با یافته‌های مطالعه کوک و هپنر (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که ممکن است راهبردهای مقابله‌ای به هم وابسته مفهوم‌سازی شده باشند که در این صورت کاوش نظام‌های نمره‌گذاری متفاوت پیشنهاد می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجه می‌کند. اول، نتایج مطالعه حاضر همچون بسیاری از مطالعات دیگر، ممکن است به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارشی، به جای مطالعه رفتار واقعی، مشارکت‌کنندگان را به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی مربوط به عدم کفایت فردی ترغیب کند. به عبارت دیگر، به منظور تأیید مقیاس‌های خودگزارشی، از مشاهده رفتاری و دیگر شاخص‌های بالینی استفاده نشد. دوم، برخی اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر (وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سن) در این نمونه در اختیار نبود. سوم، با وجود این که مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل دانشجویان دختر و پسر بودند، اما مطالعه ساختار عاملی CISS در گروه‌های

نتایج نشان داد که در نمونه دانشجویان ایرانی، CISS برای بازنمایی‌های سه و چهارعاملی از الگوی تکرارپذیری برخوردار است. نتایج پژوهش حاضر از یافته مطالعه اندلر و پارکر (۱۹۹۰) مبنی بر تقسیم سؤال‌های CISS به راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی، و همچنین، تفکیک سبک مقابله اجتنابی به زیرعوامل‌های حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی حمایت می‌کند. نتایج این پژوهش درباره ساختار عاملی CISS و مقادیر همبستگی بین این ابعاد آشکارا نتایج غالب مطالعات پیشین از قبیل اندلر و پارکر (۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹)، رافسون و همکاران (۲۰۰۶)، کاسوی و همکاران (۲۰۰۰)، مک و ویلامز و همکاران (۲۰۰۳) را که با هدف بررسی ساختار عاملی CISS انجام شده‌اند، تکرار می‌کند. نتایج این مطالعه همسو با یافته‌های کوک و هپنر (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که هنگام استفاده از CISS، زیرمقیاس‌های حواس‌پرتی و مشغولیت اجتماعی بر عامل اجتنابی بودن تقدم دارند.

همبستگی بین صفات شخصیتی روان‌نژندی‌گرایی و برون‌گرایی، و ابعاد مقابله با نتایج مطالعات قبلی همسو است و حمایت تجربی لازم از ابعاد CISS را نشان می‌دهند. روان‌نژندی‌گرایی با مقابله هیجان‌مدار همبستگی مثبت و معنادار، و با مسأله‌مداری همبستگی منفی و معنادار نشان داد. این یافته همسو با یافته مطالعات اندلر و پارکر (۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹)، کاسوی و همکاران (۲۰۰۰) رافسون و همکاران (۲۰۰۶) است. در حالی که برون‌گرایی با مسأله‌مداری و هیجان‌مداری همبستگی مثبت و غیرمعنادار، با زیر-مقیاس حواس‌پرتی همبستگی منفی غیرمعنادار، و با مقابله اجتنابی و زیرمقیاس مشغولیت اجتماعی همبستگی مثبت و معنادار نشان داد. روان‌نژندی‌گرایی با مشغولیت اجتماعی ناهمبسته بود و با حواس‌پرتی همبستگی مثبت و غیرمعناداری نشان داد.

نتایج این پژوهش ضمن فراهم آوردن برآوردهایی از استواری ساختار عاملی CISS، اطلاعاتی کلی‌تر درباره ماهیت مقابله و به تبع آن تلویحاتی برای پیشبرد نظریه به همراه دارد. نتایج مطالعه حاضر همسو با یافته‌های پژوهش کوک و هپنر (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که در استفاده از الگوهای تحلیل عاملی، الگوهای دربردارنده کوواریانس‌های بین عوامل، در مقایسه با الگوهای فاقد این کوواریانس‌ها، برازندگی بهتری با داده‌ها به دست می‌دهند. به

1- orthogonal

2- varimax rotation

سنی، جنسیتی و فرهنگی مختلف، بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. علاوه بر این، بررسی روابط راهبردهای مقابله و متغیرهای مربوط به سلامت و رفتارهای مشکل‌آفرین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید. پرسشنامه‌های CISS و BFI، و نحوه نمره‌گذاری آنها به طور کامل در بخش پیوست موجود است. محققان می‌توانند از آنها برای بررسی نقش عوامل شخصیتی در پیش‌بینی شیوه‌های ترجیحی افراد در مواجهه با گستره وسیعی از موقعیت‌های استرس‌زا استفاده کنند. شایان ذکر است که در جدول ۳ ساختار چهارعاملی و در بخش پیوست، ساختار سه‌عاملی به تفکیک گویه‌ها ارائه شده است.

جنسیتی و به دنبال آن مقایسه معناداری یا عدم معناداری تفاوت بین شاخص‌های برازندگی انطباق در دو جنس از نظر محققان دور ماند. با وجود محدودیت‌های فوق، نتایج پژوهش حاضر از ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی CISS در یک نمونه ایرانی حمایت لازم را به عمل آورد.

با توجه به این که یکی از شاخص‌های مطرح در ارزیابی مفاهیم و سازه‌ها، کاربردپذیری آنهاست، نتایج پژوهش حاضر به منظور مطالعاتی با محدودیت مفهوم مقابله از طریق تکرار نتایج مطالعات پیشین، حمایت بیشتری درباره کاربردپذیری بین‌المللی CISS فراهم می‌آورد. همسو با نتایج برخی از مطالعات (برای مثال رافنسون و همکاران، ۲۰۰۶) توجه به نقش برخی از متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنسیت و عامل فرهنگ در مقابله، ضرورت بررسی تغییرناپذیری ساختار عاملی CISS را در گروه‌های

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۲/۲۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۵/۲۰

## منابع

- اکبرزاده، ن. (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری (روان‌شناسی رشد و تحول). تهران: چاپخانه دانشگاه الزهرا.
- بهرامی، ف. (۱۳۷۶). بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی- اجتماعی بر نحوه مقابله با بحران نوجوانان سال دوم راهنمایی مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ و رابطه آن با نقش مشاوره. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
- حسینی طباطبائی، ف. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
- شکری، ا.، کدیور، پ.، و دانشورپور، ز. (۱۳۸۶). نقش سبک‌های مقابله در تنیدگی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۳، ۲۵۷-۲۴۹.
- شکری، ا.، مرادی، ع. ر.، دانشورپور، ز.، و طرخان، ر. ع. (زیر چاپ). تفاوت‌های فردی در سبک‌های مقابله با تنیدگی و سلامت روانی: نقش جنسیت. دو فصلنامه روان‌شناسی معاصر.
- شکری، ا.، مرادی، ع. ر.، فرزاد، و.، سنگری، ع. ا.، غنایی، ز. و رضایی، ا. (۱۳۸۴). نقش صفات شخصیت و سبک‌های مقابله بر سلامت روانی دانشجویان: ارائه مدل‌های علی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۷، ۲۸-۲۸.
- گراوند، ف.، شکری، ا.، افضل‌ی، م. ح.، و طولابی، س. (تحت داوری). نسخه فارسی فهرست پنج عامل بزرگ شخصیت: ساختار عاملی، روایی و پایایی. دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر.
- وقری، ع. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین خودکارآمدی و سبک‌های مقابله با بحران در زوج‌های جوان دانشجوی دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی. دانشگاه الزهرا.

- Avero, P., Corace, K. M., Endler, N. S., & Calvo, M. G. (2003). Coping styles and threat processing. *Personality and Individual Differences, 35*, 843–861.
- Beasley, M., Thompson, T., & Davidson, J. (2003). Resilience in response to life stress: The effects of coping style and cognitive hardiness. *Personality and Individual Differences, 34*, 77–95.
- Byrne, M. (1994). Testing for the factorial validity, replication, and invariance of a measuring instrument: A paradigmatic application based on Maslach Burnout Inventory. *Multivariate Behavioral Research, 29*, 289–311.
- Cohen, S. L., Jang, K. L., & Stien, M. B. (2006). Confirmatory factor analysis of a short form of the coping inventory for stressful situations. *Journal of Clinical Psychology, 62*, 273–283.
- Cook, S. W., & Heppner, P. P. (1997). A psychometric study of three coping measures. *Educational and Psychological Measurement, 57*, 506–523.
- Cosway, R., Endler, N. S., Sadler, A. J., & Deary, I. J. (2000). The coping inventory for stressful situations: Factorial structure and associations with personality traits and psychological health. *Journal of Applied Biobehavioral Research, 5*, 121–143.
- Denisoff, E., & Endler, N. S. (2000). Life experiences, coping, and weight preoccupation in young adult women. *Canadian Journal of Behavioral Science, 32*, 97–103.
- Dickey, D. (1996). Testing the fit of our models of psychological dynamics using confirmatory methods: An introductory primer. In B. Thompson (Ed.), *Advances in social science methodology* (pp. 219–227). Greenwich, CT: JAI.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 844–854.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1994). Assessment of multidimensional coping: task, emotion, and avoidance strategies. *Psychological Assessment, 6*, 50–60.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1999). *Coping Inventory for Stressful Situations (CISS): Manual*. Toronto: Multi-Health Systems.
- Fournier, M., de Ridder, D., & Bensing, J. (2002). Optimism and adaptation to chronic disease: The role of optimism in relation to self-care options of type I diabetes mellitus, rheumatoid arthritis and multiple sclerosis. *British Journal of Health Psychology, 7*, 409–432.
- Giles, D. C. (2002). *Advanced research methods in psychology*. New York: Routledge.
- Halamandaris, K. F., & Power, K.G. (1999). Individual differences, Social support and coping with the examination stress: A study of the psychosocial and academic adjustment of first year home students. *Personality and Individual Differences, 26*, 665–685.
- Henson, R. K., Capraro, R. M., & Capraro, M. M. (2004). Reporting practice and use of exploratory factor analysis in educational research journals. *Research in the Schools, 11*, 61–72.
- Hu, L., & Bentler, P. M. (1995). Estimates and tests in structural equation modeling. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (pp. 37–55). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indices in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling, 6*, 1–55.
- John, O. P., Donahue, E. M., & Kentle, R. L. (1991). *The big five inventory –version 4a and 54*. Berkeley, CA: University of California.
- John, O. P. & Srivastava, S. (1999). The big five taxonomy: history, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Ed.), *Handbook of Personality Theory and Research*. (pp. 102–138). The Guilford Press.
- MacCallum, R. C., Brown, M. W., & Sugawara, H. M. (1996). Power analysis and determination of sample size for covariance structure modeling. *Psychological Methods, 1*, 130–149.
- McWilliams, L. A., Cox, B. J., & Enns, M. W. (2003). Use of the Coping Inventory for Stressful Situations in a clinically depressed sample: Factor structure, personality correlates and prediction of distress. *Journal of Clinical Psychology, 59*, 423–437.
- Parker, J. D. A., & Endler, N. S. (1992). Coping with coping assessment: a critical review. *European Journal of Psychology, 6*, 321–344.
- Parker, J. D. A., & Endler, N. S. (1996). Coping and defense. In M. Zeidner & N. S. Endler (Eds.), *Handbook of coping* (pp. 3–23). New York: John Wiley.
- Quintana, S. M., & Maxwell, S. E. (1999). Implications of recent developments in structural equation

modeling for counseling psychology. *The Counseling Psychologist*, 27, 485-527.

Rafnsson, F. D., Sarmi, J., Windle, M., Mears, S. A., & Endler, N. S. (2006). Factor structure and psychometric characteristics of the Icelandic version of the coping inventory for stressful situation (CISS). *Personality and Individual Differences*, 40, 1247-1258.

Rammstedt, B., & John, O. P. (2007). Measuring personality in one minute or less: A 10-item short version of the Big Five Inventory in English and German. *Journal of Research in Personality*, 41, 203-212.

Schumacker, R. E., & Lomax, R. G. (1996). *A beginner's guide to structural equation modeling*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Association.

Schwarzer, R., & Schwarzer, C. (1996). A critical survey of coping instruments. In M. Zeidner & N. S. Endler (Eds.), *Handbook of coping* (pp. 107-132). New York: John Wiley.

Skinner, E. A., Edge, K., Altman, J., & Sherwood, H. (2003). Searching for the structure of coping: A review and critique of category systems for classifying ways of coping. *Psychological Bulletin*, 129, 216-269.

Sultan, S., & Heurtier-Hartemann, A. (2001). Coping and distress as predictors of glycemic control in diabetes. *Journal of Health Psychology*, 6, 731-739.

Thompson, B., & Daniel, L. G. (1996). Factor analytic evidence for the construct validity of scores: A historical overview and some guidelines. *Educational and Psychological Measurement*, 56, 197-208.